

The Quarterly Journal of Islam and Social Studies

Vol. 7 • No. 3 • Winter, 2019 • Issue 27

Received: 15/09/2019

Accepted: 18/02/2020

Doi: 10.22081/jiss.2020.68467

An Examination of Hirsch's Theory in Social Control from the Perspective of Hadiths

Mohammad Reza Zamiri¹
Mohammad Ali Hosseini²
Ahmad Shafazadeh³

Abstract

Islam is a comprehensive religion that considers all the individual and social aspects of human life. The realm of Islamic rules and teachings is not just related to individual affairs. Paying attention to social dignity is one of the most important issues of concern for Islam, and in addition, social control theories hold that all people have the potential to evade the law, and modern society has provided many opportunities for illegal activities. This study with a descriptive method and an analytical-critical approach seeks to answer the question “what are critiques on Hirsch's social theory from the viewpoint of hadiths?” The results show that Islam has teachings that will lead to human perfection and the consolidation of human society and in the light of divine laws, the growth, and solidity of society can be brought about. However, Hirsch's theory is a complete American thought along with criticism. The studies that have been conducted on social control have not been examined based on Hirsch's theory and considering the religious teachings and extracting appropriate solutions for social control are some of the new findings of the current study.

Keywords

Social control Hadiths, Hirsch's theory, religious teachings, Islam, solutions of social control.

1. Associate professor at Payam Noor University Qom, zamiri.mr@gmail.com.

2. Assistant professor and president of Payam Noor University Qom, mohosseini2004@gmail.com.

3. PhD student in teaching Islamic knowledge, department of the Qur'an and Islamic texts. shafazadeh@Kiau.ac.ir

بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی، از دیدگاه احادیث

* محمد رضا ضمیری

** محمد علی حسینی

*** احمد شفافزاده

چکیده

اسلام دینی همه‌جانبه‌نگر است که تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها را در نظر دارد. قلمرو قواعد و آموزه‌های اسلامی متوقف بر امور فردی نیست. توجه به شئون اجتماعی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه آیین اسلام است و از طرفی تئوری‌های کنترل اجتماعی معتقدند همه مردم پتانسیل گریز از قانون را دارند و جامعه مدرن فرصت‌های بسیاری برای فعالیت غیرقانونی فراهم آورده است. این پژوهش با روش توصیفی و با رویکرد تحلیلی - انتقادی، درصدد پاسخ به این پرسش است که چه انتقادهایی از دیدگاه احادیث بر نظریه اجتماعی هیرشی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد دین مبین اسلام، دربردارنده آموزه‌هایی است که عمل بر اساس آنها، کمال انسان و تحکیم جامعه انسانی را به دنبال خواهد داشت و در پرتو قوانین الهی می‌توان رشد و استحکام جامعه را به ارمغان آورد؛ ولی نظریه هیرشی یک تفکر غالب امریکایی است و با انتقادهایی همراه است. پژوهش‌هایی که تاکنون درباره کنترل اجتماعی انجام شده با نظریه هیرشی مورد بررسی قرار نگرفته است و توجه به آموزه‌های دینی و استخراج راهکارهای مناسب در خصوص کنترل اجتماعی از یافته‌های جدید این پژوهش به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها

احادیث کنترل اجتماعی، نظریه هیرشی، آموزه‌های دینی، اسلام، راهکار کنترل اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

mr.zamiri@pnu.ac.ir

mohosseini2004@gmail.com

shafazadeh@Kiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۴

* دانشیار دانشگاه پیام نور، ایران.

** استادیار و رئیس دانشگاه پیام نور، ایران.

*** مربی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

در زندگی اجتماعی، انسان‌ها دارای ارزش‌ها و تمایل‌های مختلفی‌اند و حتی در مواردی متضاد با یکدیگرند. آنچه تداوم زندگی جمعی را موجب می‌شود، حاکمیت نظم بر روابط جمعی است که در پرتو وجود حکومت و اجراشدن مجموعه‌ای از آداب و رسوم مشترک و نیز اجرای قوانین است که هم‌نوابی عمومی را در روابط آنها با یکدیگر به دنبال دارد. فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در کنار همدیگر محصول هم‌نوابی عمومی آنان است که از طریق فرایند جامعه‌پذیری، پیروی از هنجارها و الگوهای نقش و گروه‌های مرجع اجتماعی و نیز کاربست جدی سازوکارهای نظارت و کنترل اجتماعی محقق می‌شود، اساساً می‌توان خاستگاه نامگذاری برخی از رفتارها به‌عنوان رفتار انحرافی را در نقض هم‌نوابی عمومی افرادی در جامعه دانست (محسنی و فولادی، ۱۳۹۴: ص ۳۸۴). اجتماعی‌شدن فرد طی فرایند جامعه‌پذیری وی به وقوع می‌پیوندد. جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد طی آن با ارزش‌ها، عقاید، هنجارها، رسوم، آداب و شعائر جامعه خویش آشنا می‌شود و شیوه‌های زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد و به‌عنوان یک عضو جامعه آمادگی عمل را پیدا می‌کند. انسان‌ها در فرایند جامعه‌پذیری، با درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها یاد می‌گیرند چگونه باید نیازهای زیستی - اجتماعی خود را به شیوه‌ای قابل قبول برآورده سازند. نظم و ثبات در جامعه، ماحصل درونی‌سازی و عمل به این ارزش‌ها و دستورهای فرهنگی است. در واقع افراد جامعه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در فرایند جامعه‌پذیری فرهنگ جامعه را فرا می‌گیرند و به واسطه این فرایند می‌آموزند کدام الگوی رفتاری نابهنجار است و چه رفتارهایی در جامعه مطلوب تلقی می‌شود (ستوده، ۱۳۹۶: ص ۱۲۱).

تغییر در ارزش‌ها، علت بسیاری از بحران‌های رفتاری افراد و تغییر ساختار اجتماعی و هویت فرهنگی جوامع است. ارزش‌ها، نقش زیادی در انگیزه ارتکاب جرایم یا کنترل انحرافات دارند. با فراگیرشدن ضدا ارزش‌ها یا تغییر ارزش‌های اسلامی، جامعه دچار بحران می‌شود (حسینی جبلی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶). در روایتی پیامبر اکرم ^۹ درباره ترک امر به

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِذَا أُقْبِلَتْ تَوَاكَلَتْ الْأُمَمُ بِالْمَعْرُوفِ وَالْأَثَمِي عَنْ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.

معروف و نهی از منکر هشدار داده است؛ به این مضمون که اگر جامعه، ارزش‌های خوب را رها کند و به سمت انحرافات حرکت نماید و کسی نیز آن را کنترل نکند، باید منتظر عذاب و بحران‌های اجتماعی باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ص ۹۷؛ هلالی، ۱۳۸۷، ج ۲ و فیض کاشانی، ۱۴۰۴، ج ۱۵: ص ۱۷۵). جامعه‌شناسان نیز علاوه بر جامعه‌پذیری از فرایندی تحت عنوان کنترل اجتماعی^۱ نام می‌برند. جامعه‌شناس امریکایی تراویس هیرشی^۲ برای نخستین بار اصطلاح الگوی کنترل اجتماعی را به کار برد. این الگو که گاه با نام نظریه پیوند نیز از آن یاد می‌شود، پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند (Regoli, 2009: P.203).

هیرشی با الهام از دور کیم معتقد است رفتار انحرافی نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ص ۸۹)، در نظریه هیرشی چهار عنصر برای پیوند فرد با جامعه یا دیگران، عادی دیده شده است: ۱. دل‌بستگی: میزان توجه و حساسیت فرد به دیگران و دیدگاه‌ها و توقعاتشان؛ ۲. تعهد: میزان همراهی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار هم‌نوا و نابهنجار افراد؛ ۳. درگیر بودن: میزان وقتی که فرد در فعالیت‌های عادی اجتماعی صرف می‌کند؛ ۴. باور داشتن: میزان اعتبار هنجارهای اجتماعی برای فرد، با میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی (ستوده، ۱۳۹۶: ص ۱۳۹).

هیرشی مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی‌سازی ترجیح می‌دهد؛ چون وابستگی را می‌توان مستقل از رفتار انحراف‌آمیز اندازه‌گیری کرد؛ ولی درونی‌سازی را نمی‌توان به این صورت مورد سنجش قرار داد. تعهد، جزء عقلانی در رعایت هنجارها است (Hirschi & Gottfredson, 2003: P). به‌طور کلی مفهوم آن ترس از رفتار قانون‌شکنانه است. هیرشی معتقد است وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف باشد، وقتش به‌قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌آمیز کشیده شود. مفهوم درگیری سرچشمه برنامه‌هایی با تمرکز بر فعالیت‌های تفریحی مثبت برای پرکردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است. ویژگی اعتقاد، به وجود یک سیستم ارزشی مشترک در جامعه‌ای که هنجارهایش نقض می‌شوند،

1. Social Control

2. Travis Hirschi

اشاره دارد. بر مبنای این نظریه هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند «پیوند» آنها با جامعه سست تر است و احتمال کج رفتاری بیشتر خواهد بود و هر اندازه این چهار منبع ضعیف تر شوند، تعهدات افراد به جامعه کمتر می شود و ضعف تعهد به رفتار انحرافی منجر می شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ص ۱۲۲).

با توجه به اینکه در علوم اجتماعی و جرم شناسی به ندرت می توان نظریه یا قانونی را کشف کرد که عمومیت داشته و بتواند چارچوبی برای سیاست گذاری در همه زمان ها و مکان ها باشد، نظریه هیرشی نیز از این قاعده مستثنی نیست و با مشکل ناکارآمدی برای فرهنگ سازی در جوامع اسلامی یا دارای اثرگذاری ضعیف است؛ زیرا این چهار جزء هیرشی به نظر می رسد که تمام انواع جرم را توضیح نمی دهند. هر چند این الگو، از جرم شناسی غرب گرفته شده است، بهره گیری از ظرفیت های موجود در بافت فرهنگی اجتماعی هر جامعه ای جای بس تأمل دارد؛ بنابراین با توجه به حاکمیت اسلامی بر جامعه ایرانی و نقش پررنگ آموزه های دینی (احادیث) و آموزه های اسلامی که اخلاق محور هستند و هم بر بعد کنترل درونی و هم بعد کنترل بیرونی انسان ها توجه کرده اند، می توان سود جُست. استخراج این آموزه ها کمک شایانی به مسئولان نظام اسلامی برای مقابله با آسیب های اجتماعی خواهد کرد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و با رویکرد تحلیلی - انتقادی و با استفاده از منابع کتابخانه ای در صدد پاسخگویی به این پرسش است که چه انتقاداتی هایی از دیدگاه احادیث بر نظریه اجتماعی هیرشی وجود دارد. پژوهش هایی که تاکنون درباره کنترل اجتماعی بر اساس احادیث انجام شده، اولاً تعداد محدودی است مانند کتاب انحرافات اجتماعی از دیدگاه اسلام، (حسینی جبللی، ۱۳۹۷، «ب») که در بخش کنترل اجتماعی، احادیث با نظریه هیرشی بررسی نشده اند، مقاله «نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات با تأکید بر تعاون و حمایت» (متولی زاده نایینی، ۱۳۹۶)، مقاله «باورهای مؤثر در هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم» (محمدی، ۱۳۹۵)، مقاله «راهکارهای کنترل اجتماعی خشم از دیدگاه قرآن کریم» (داوری، ۱۳۹۱) و مقاله «سازوکارهای نظام کنترل تعاملی در سیره امام علی» (ابروش، ۱۳۹۱)؛ ثانیاً با نظریه هیرشی در خصوص کنترل اجتماعی، مورد تطابق قرار نگرفته اند؛ به همین سبب، مقاله حاضر نو و بدیع است و همین امر امتیاز این مقاله به شمار می رود.

۱. چارچوب نظری و مفاهیم

کلمه کنترل^۱ در زبان فارسی به معنای واری و تفتیش و به معنای مراقبت در مورد اجرای امری است (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه کنترل). که در ابتدا به خاستگاه کنترل اجتماعی با توجه به نظریه‌های امیل دورکیم، رلکس والتر، نظریه اگینو ومرتین و نظریه هیرشی و نظریه اسلام در خصوص کنترل اجتماعی است که اصلی‌ترین خاستگاه و چارچوب این تحقیق نظریه هیرشی و آموزه‌های دینی اسلام (احادیث) می‌باشد خواهیم پرداخت.

۱-۱. نظریه آنومی دورکیم^۲

دورکیم به کج رفتاری و انحرافات اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی در قالب ساخت اجتماعی می‌نگرد و در پی کشف علل آن در واقعیت‌های اجتماعی است. وی با بررسی مقوله همبستگی آن را با انحرافات و مسائل اجتماعی مانند خودکشی مرتبط می‌سازد؛ در عین حال دورکیم در بحث راجع به کج رفتاری به انتقاد از جامعه صنعتی می‌پردازد و در واقع مشکل کج رفتاری در هر جامعه را نمایشگر ساخت آن جامعه می‌داند. یکی از معانی ضمنی نظریه بی‌هنجاری دورکیم آن است که آرزوهای نامحدود فشارهایی بر فرد وارد می‌کند، به انحراف از هنجارهای اجتماعی دست یازند (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۴۳۰).

۱-۲. نظریه بازدارندگی رلکس^۳

رلکس همنوایی و ناهمنوایی را به‌عنوان دو واکنش متناوب نظام کنترل که رفتار انسان را نظم می‌دهند، بررسی می‌کند. او کنترل اجتماعی را مانع حفاظتی دوگانه‌ای می‌داند که جامعه را علیه کج رفتاری حاد محافظت می‌کند. مانع حفاظتی اول، جامعه پذیرش هریک از اعضای جامعه است که شامل سه ویژگی خودکنترلی یا خویش‌داری، خودپنداره یا تصویری که هر فرد از خودش در ذهن دارد و درونی کردن هنجارهای اجتماعی است. او

1. Control .

2. Theory of Durkheim's Anomie.

3. Walter Reckles.

این مانع دفاعی را «عامل بازدارندگی درونی»^۱ نامیده است که به شخص در برابر وسوسه‌های انحرافی توانایی می‌بخشد و موجب پیروی از هنجارها می‌شود؛ البته رکلز ادعا می‌کند که توان بازدارندگی هر شخص با شخص دیگر فرق دارد. او مانع دفاعی دیگر را که «بازدارندگی بیرونی»^۲ گفته می‌شود، گروه یا جامعه‌ای می‌داند که فرد به آن تعلق دارد و این مانع کژرفتاری حاد، خارج از فرد قرار دارد. از نظر رکلز، بازدارندگی بیرونی شامل مجموعه چشم‌گیری از خواسته‌های قانونی و ممنوعیت‌هایی است که بسیاری از مردم را در پیوندهای رفتاری با جامعه قرار می‌دهد (Reckless, 1967: P.326).

۳-۱. تئوری عمومی فشار^۳

در این نظریه رابرت اگینو معتقد است سه منشأ کلی فشار وجود دارد: ۱. عدم موفقیت در دستیابی به اهداف با ارزش از نظر اجتماعی؛ ۲. وقوع حوادث بزرگ و تأثیرگذار از نظر اجتماعی مثل ازدست‌دادن نزدیکان، طلاق پدر و مادر، اخراج از شغل یا اخراج از مدرسه؛ ۳. تجربه وقوع حوادث منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی مثل سوءاستفاده جنسی از کودکان، قربانی واقع شدن در یک واقعه جنایی، تنبیهات لفظی یا جسمانی. اگینو معتقد است این فشارها تمایل به کج‌رفتاری را در فرد ایجاد می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ص ۷۷).

۴-۱. نظریه نظم اجتماعی پارسونز^۴

پارسونز نظارت اجتماعی را به‌عنوان تحلیل فرایندهایی تعریف می‌کند که میل به خنثی کردن تمایلات کج‌روانه دارند و این شکل کنترل اجتماعی وجه ترمیمی نظام اجتماعی به حساب می‌آید. برای کج‌روی‌های اجتماعی نیز تعریف‌های متفاوتی بیان شده است: رفتار منع‌شده یا مشمول اهرم‌های کنترل اجتماعی؛ رفتار شکننده هنجار یا رفتاری که قواعد، برداشت‌ها یا توقعات و هنجاری نظام‌های اجتماعی را نقض می‌کند؛ رفتار

-
1. Inter Containment.
 2. Outer Cotainment.
 3. The Rolex Deterrence Theory.
 4. Parsons.

ناهنمونا با هنجارهای اجتماعی - منطبق نبودن با هنجارها، ارزش‌ها، الگوهای موجود جامعه، مخالفت با روش‌های مرسوم جامعه (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۵۴).

۵-۱. نظریه هیرشی

هیرشی که از مهم‌ترین نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی است، معتقد است کجروی معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد به جامعه است. وی مدعی است پیوند میان فرد و جامعه علت همنوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است. هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد (Hirschi & Gottfredson, 2003: P.16).

۲. چارچوب دینی

حیات دینی انسان که تأمین‌کننده اهداف دینی و انسانی او است، در بستر قلمروهای دینی سامان می‌یابد که شامل قلمرو ایمان و باور (حوزه عقاید دینی)، قلمرو رفتار (حوزه اخلاق) و قلمرو تشریح (حوزه احکام و فقه) قلمروهای سه‌گانه نظام معیشتی دینی است. هر کدام از این قلمروها ظرفیت‌هایی را در اختیار انسان می‌گذارد تا انسان‌ها در زندگی اجتماعی و فردی به کمال مطلوب برسند. متناسب با بحث کنترل اجتماعی، لازم است اهرم‌های کنترلی غیررسمی و رسمی در سه حوزه دینی بررسی شوند. می‌توان قلمرو شریعت (احکام فقه) را به عنوان سطح هنجارساز و قلمرو اعتقاد و ایمان را به عنوان سطح نظارتی دین مطرح کرد. فقه و شریعت، هم هنجارهای دینی را در جامعه معرفی می‌کند و هم سازوکارهای رسمی همچون «حدود»، «دیات»، «قصاص» و «تعزیرات شرعی» و غیررسمی نظیر امر به معروف و نهی از منکر را برای تثبیت و تحکیم هنجارها به خدمت می‌گیرد. ایمان و باورهای دینی نظیر ایمان به علم خداوند، ایمان به روز حساب و کتاب و ایمان به آثار و پیامدهای رفتار، باعث به وجود آمدن سازوکار کنترلی غیررسمی می‌گردد و از این طریق افراد را با هنجارهای مطرح‌شده از سوی دین همنوا می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ص ۲۵۲)؛ بنابراین از ترکیب دیدگاه‌های مطرح‌شده، چارچوب نظری متناسب با این تحقیق، نظریه هیرشی در خصوص کنترل اجتماعی و احادیث کنترل اجتماعی از دیدگاه اسلام است.

۳. کنترل اجتماعی^۱

کنترل را «توان اعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن اعمال دیگران» تعریف کرده‌اند؛ از این رو کنترل اجتماعی، فرایندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارند، به دنبال تحقق هم‌نوایی رفتاری اعضای خویش و مقابله با کج‌روی است. در سیاست کیفری از مرحله تصویب قوانین تا به کارگیری و اجرای آنها هیچ‌گاه نباید هدف اصلی که حفظ امنیت و تکامل جامعه و جلوگیری از تکرار جرائم است از نظر دور بماند (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۴۵۲).

۴. انواع کنترل اجتماعی

در یک تقسیم‌بندی کلی و انتزاعی از انواع کنترل اجتماعی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱. کنترل رسمی^۲

کنترل اجتماعی رسمی در بردارنده اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، آنها را در مسیر مقابله با وقوع جرم و کج‌روی در جامعه عهده‌دار می‌شوند. این اقدام‌ها به سبب متکی بودن بر ضمانت‌های اجرایی دولتی، از یک طرف به‌طور عمده الزام‌آور و متکی بر قهر و اجبارند و از طرف دیگر به گستره‌ای خاص از هنجارهای اجتماعی (هنجارهای رسمی) محدود است که با تکیه بر همان ضمانت اجراهای حکومتی تعریف می‌شود (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶: ص ۲۵). در قوانین کیفری اسلام، مجازات نه به هدف انتقام، بلکه وسیله‌ای برای احیای بشریت است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «اجرای یک حد الهی در روی زمین بافضیلت‌تر از باران چهل روز است» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸: ص ۱۲).

۴-۲. کنترل غیررسمی^۴

کنترل غیررسمی گونه‌ای از کنترل اجتماعی است که در گستره‌ای به تناسب جامعه،

1. Social control.

2. Official control.

۳. حدُّ یقام فی الارض اولی فیها من مطر اربعین لیلۃ و آیامها.

4. Unofficial Kontrol.

توسط هریک از اعضا و در محیط‌های متفاوت خانواده، مدرسه، محل کار، اماکن مذهبی و غیره انجام می‌شود. اینگونه از کنترل، در نقطه مقابل کنترل رسمی و براساس اصول اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای متعارف است. ضمانت اجرای اصلی کنترل غیررسمی عبارت‌اند از: کنترل‌های درونی مانند ترس از پذیرفته‌نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌رو شدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد اطرافیان و غیره، و کنترل بیرونی مانند تمجید و تشویق در مقابل تمسخر، سرزنش و حتی طرد کج‌رو توسط دیگران (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ص ۵۰۷).

۵. انسان و تأثیرپذیری از کنترل‌های غیررسمی در استواری جامعه

ترقی و سعادت انسان‌ها و جامعه، با انسان‌های بااخلاق و صفات برگزیده انسانی به‌دست می‌آید و در مکتب الهی فضیلت‌های اخلاقی، نقشی اساسی در سستی یا استحکام جامعه دارند؛ فضایی که هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارند و به‌عبارتی سعادت فرد و جامعه به‌طور جدایی‌ناپذیر درهم تنیده شده‌اند. قرآن کریم^۱ در اهمیت پرداختن به فضیلت‌های اخلاقی، شخصیت پیامبر اسلام ﷺ را نمونه کمال فضایل اخلاقی معرفی می‌کند و مسلمانان را به پیروی از ایشان فرا می‌خواند (احزاب: ۲۱). «دین مبین اسلام، دربردارنده آموزه‌هایی است که عمل براساس آنها، کمال انسان و تحکیم جامعه انسانی را به‌دنبال خواهد داشت. محتوای اصلی این آموزه‌ها، رشد فضیلت‌های اخلاقی به‌صورت مطلوب در جامعه است. از بسیاری آیات و روایات چنین برمی‌آید که رفتار انسان‌ها به‌طرز قابل توجهی متأثر از کنترل‌های غیررسمی است؛ به‌عبارت‌دیگر انسان‌ها به اهرم‌های کنترلی غیررسمی سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند. در این پژوهش به تحلیل و بررسی مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاقی می‌پردازیم که در کنترل اجتماعی نقش دارند.

۵-۱. تقوا و ارتباط آن با جامعه

پرهیز از محرّمات که در زبان دین از آن به تقوا تعبیر شده است، مهم‌ترین وسیله در

۱. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.

سلوک معنوی و همچنین کسب محبوبیت دنیوی است. تا زمانی که نفس، آلوده به کارهای حرام و تابع لذت‌های نفسانی است، تعالی انسان در هیچ بُعدی امکان‌پذیر نخواهد بود. تقوا از سویی باعث خودسازی و تعالی روحی افراد در جامعه خواهد شد و از طرفی عامل بالندگی جامعه پیرامون به‌طور جامع‌تر می‌گردد؛ در نتیجه باعث صعود جامعه انسانی به سوی ارزش‌های عظیم اخلاقی و تثبیت دینداری مطلوب در آن می‌شود و از طرف دیگر سبب لغو و حذف رذیلت‌های اخلاقی و نخوت‌های درونی از جامعه می‌گردد. رسول خدا نیز تقوا را در رشد جامعه، حیاتی دانسته‌اند: «تا زمانی که امت من در کار نیک به یاری یکدیگر برخیزند، بر خیر و سلامت هستند و چون چنین نکنند، برکت‌ها از ایشان گرفته می‌شود»^۱ (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۶: ص ۱۸۱). اگر تقوا و فضیلت‌های اخلاقی، ملاک برتری نباشند، معیارهای فرعی و بدلی مانند فخر و فروشی نژادی و قبیله‌ای جایگزین ملاک‌های واقعی، برای تمایز آدمیان از یکدیگر می‌شوند و این باعث ترویج مفاسد اخلاقی و تحقیر انسانیت ذاتی انسان‌ها در جامعه خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ص ۳۷۲).

۲-۵. توکل

نفوذ اراده و رسیدن به مقصود در عالم ماده نیازمند یک سلسله اسباب و عوامل طبیعی و یک سلسله عوامل روحی و نفسانی است. هنگامی که انسان وارد میدان عمل می‌شود و همه عوامل طبیعی مورد نیاز را آماده می‌کند، تنها چیزی که میان او و هدفش فاصله می‌اندازد همانا تعدادی از عوامل روحی از قبیل سستی اراده و تصمیم و ترس است. در چنین وضعی اگر انسان بر خداوند سبحان توکل داشته باشد، اراده‌اش قوی و عزمش ثابت می‌گردد و موانع و مزاحمت روحی در برابر آن خنثی خواهند شد؛ زیرا انسان در مقام توکل با مسبب اسباب پیوند می‌خورد و با چنین پیوندی دیگر جایی برای نگرانی و تشویش خاطر باقی نمی‌ماند؛ علاوه بر این، نکته دیگری که در مورد توکل موجود است، بعد غیبی و ماورایی آن است؛ یعنی خداوند متعال شخص متوکل را با امدادهای غیبی مدد می‌رساند که این امدادها از حوصله اسباب عادی و طبیعی فراتر و در ردیف مافوق علل مادی قرار

۱. «لَا تَرَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ فإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعْتُ مِنْهُمْ الْبِرَّ كَاتٌ».

دارد و ظاهر آیه شریفه «و من یتوکل علی الله فهو حسبه؛ هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت کند» چنین امدادی را نوید می‌دهد. توکل بر خدا می‌تواند به کنترل درونی فرد در انجام رفتار انحرافی کمک کند. پیامبر ۹ می‌فرماید: ^۱توکل کردن [به خدا] بعد از به‌کاربردن عقل، خود موعظه است (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۳: ص ۱۰۳).

۳-۵. مراقبت

دین هم خود سازوکارهای مراقبتی و نظارتی برای انسان‌ها در نظر گرفته و هم توصیه‌هایی در باب لزوم مراقبت انسان مطرح کرده است. عمده تأثیر مراقبت‌های دینی راجع به هم‌نویایی افراد با هنجارهای متداول این است که افراد را به نیروی خودکنترلی مجهز می‌سازد و از سوی دیگر دستورهای دینی در مورد کنترل افراد، بر جنبه‌های بیرونی کنترل غیررسمی تأکید می‌کنند. در دین اسلام، یکی از کارکردهای باورهای دینی نظیر باور به خداوند و روز قیامت و حسابرسی، بازدارندگی آن ذکر شده است. حضرت امام رضا 7 در مورد کارکرد اقرار به خداوند می‌فرماید: ^۲اگر اقرار به خداوند و ترس از عالم غیب نباشد، کسی نخواهد بود که افراد را هنگام خلوت‌های شهوانی و نفسانی از ترک معصیت، هتک حرمت و انجام گناه کبیره بازدارد (صدوق، ۱۳۷۶، ج ۲: ص ۱۰۰).

۳-۵. حیا

حیا یکی از عناصر مهمی است که اغلب رفتارهای شخصی و اجتماعی متأثر از آن است و عنصری مؤثر در کنترل غیررسمی افراد به شمار می‌رود. در احادیث معصومان 8 تعبیرات گوناگونی راجع به حیا به کار رفته است که جمعاً بعد از بازدارندگی آن را به‌عنوان یک سازوکار کنترلی اجتماعی تقویت و تأیید می‌کند. امام صادق 7 بعد از اینکه رابطه متقابل ایمان و حیا را بازگو می‌نمایند، چنین می‌فرماید: ^۳«حیا در گرو ایمان و

۱. اَلتَّوَكُّلُ بَعْدَ الْكَيْسِ مُوَعِّظَةٌ؛ توکل.

۲. «فَلَوْلَا الْاِقْرَارُ بِاللّٰهِ وَ حَسْبِيَّتُهُ بِالْعَبِي لَمْ يَكُنْ اَحَدٌ اِذَا خَلَا بِشَهْوَتِهِ وَ اِرَادَتْهُ بِرَاقِبٍ اَحَدًا فِى تَرْكِ مَعْصِيَةٍ وَ اَنْتِهَآكِ حُرْمَةٍ وَ اَزْتِكَابِ كَبِيْرَةٍ.

۳. «الْحَيَاءُ بِالْاِيْمَانِ وَ الْاِيْمَانُ بِالْحَيَاءِ وَ صَاحِبُ الْحَيَاءِ خَيْرٌ كُلَّهُ وَ مَنْ حُرِمَ الْحَيَاءُ فَهُوَ شَرُّ كُلِّهِ.

ایمان در گرو حیا است. فردی برخوردار از حیا همیشه در مسیر خیر، و فرد محروم از حیا همیشه در مسیر شر گام برمی‌دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ص ۳۲۹).

۴-۵. صبر در ارتقای سطح کیفی جامعه

صبر در اصطلاح علم اخلاق به حفظ نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت و همچنین به آرامش و طمأنینه اطلاق می‌شود. از جمله ویژگی‌های مطلوب در جامعه مستحکم، نهادینه‌شدن صبر و پایداری در جامعه به هنگام مواجهه با مشکلات است. انسان‌ها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که در طول حیات خود، با آفات، کمبودها، موانع و مصیبت‌های فراوانی روبه‌رو هستند. از سوی دیگر انسان در معرض حمله‌های شدید تمایلات نفسانی است که همه این موارد ابزار آزمایش انسان از طرف خدای متعال به شمار می‌آیند.^۱ صبر کلید رسیدن است و کامیابی سرانجام کسی است که شکیبایی می‌ورزد (همان، ج ۷۵: ص ۴۵). در این راستا علامه طباطبایی درباره جایگاه و اهمیت صبر و فایده‌های آن در تحکیم جامعه انسانی به‌عنوان یک فضیلت مهم و اثرگذار اخلاقی می‌فرماید: اولاً صبر و پایداری در جامعه و در برابر سختی‌ها و مشکلات باعث رشد اجتماعی فرد شده و او را معنوی در زندگی مادی و معنوی به پیش می‌برد و خداوند نیز به صابران به خاطر توسعه دینداری در نهاد اجتماعی، اجر و پاداشی تام و بی حساب عطا می‌فرماید؛ ثانیاً صبر قوی‌ترین یاور در شداید و محکم‌ترین رکن اساسی در برابر تبلور عزم و تحول در اراده است که به انسان، فرصت تفکر صحیح می‌دهد و بزرگ‌ترین حفاظ برای دینداری است و به منزله خلوتی است که در هنگام افکار پریشان و صحنه‌های ترس آور به آدمی مصونیت درونی عطا می‌کند و گام‌های او را در مسیر هدایت الهی استوار می‌گرداند و از گمراهی‌ها دور می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ص ۴۲۴).

۵-۵. خوف و خشیت

از جمله عناصر مهم کنترلی که جنبه‌ای غیررسمی دارد و در دین نیز بر آن تأکید شده

۱. الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الدَّرَكِ وَالنُّجْحُ عُقْبَى مَنْ صَبَرَ.

است، خوف و خشیت است. شیخ طوسی تفاوت خوف و خشیت را چنین بیان کرده است: «خوف، ترس نفس از انجام رفتار نادرست و عقاب مترتب بر منهیات است؛ اما خشیت حالت درونی است که ریشه در توجه به عظمت و هیبت خداوند دارد. طبق بیان‌های دینی، هم خوف بازدارنده و هدایت‌کننده است و هم خشیت زمینه‌ساز دوری از کارهای زشت و انجام رفتار درست است خوف هم شامل ترس از خداوند و عذاب و عقاب می‌شود و هم شامل ترس از مردم، رسوانشدن و نرفتن آبرو. از نگاه امیرالمؤمنین ترس الهی و اخروی یک اهرم تنبیهی مورد انتظار است؛ درحالی که ترس از مردم یک اهرم زودبازده و فوری است. ایشان در این مورد چنین بیان می‌دارند: ^۱ افراد ترس خود از بندگان خدا را امر فوری و ترس از خداوند را وعده و ضمان تحقق‌یافتنی می‌پندارند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۹: ص ۱۹۱).

۵-۶. ثواب و عقاب بر رفتار

از نظر دین، رفتار افراد تحت تأثیر پاداش و تنبیه ماورایی به‌عنوان کنترل غیررسمی است. توجه اکید به ثواب و عقاب به‌عنوان نتایج افعال و تأکید بر اینکه خداوند در قیامت برای درستکاران پاداش و برای بدکاران عذاب در نظر گرفته است، گویای اهمیت نقش کنترلی ثواب و عقاب به‌عنوان کنترل غیررسمی و کارآمد بودن آن در هدایت افراد است. برخی از دلایل قرآنی و روایی حاکی از این است که ثواب و عقاب و بهشت و جهنم بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و انسان‌ها سعی می‌کنند آن‌گونه عمل کنند که به ثواب‌های اخروی دست بیابند و از عقوبت‌های اخروی در امان بمانند. حضرت پیامبر ﷺ مشتاقان بهشت را پیشی‌گیرنده به کارهای خیر و خائفان از جهنم را تارک شهوات می‌دانند: ^۲ کسانی که به بهشت علاقه‌مندند، به کارهای نیک می‌شتابند و کسانی که از آتش جهنم می‌ترسند، از رفتار شهوانی دوری می‌گزینند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ص ۹۶).

۵-۷. مواظبت بر نوع هم‌نشین

با توجه به اثرگذاری هم‌نشین بر اشخاص و اثرپذیری آنان از هم‌نشین، احادیث ضمن

۱. «جَعَلَ خَوْفَهُ مِنَ الْعِبَادِ نُقْدًا وَمِنْ خَالِقِهِمْ ضَمَانًا وَوَعْدًا.

۲. «مَنْ أَشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ مَنْ خَافَ النَّارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ.

هشدار پیاپی در این باره، اشخاص را از همنشینی با انسان‌های کج‌رو منع می‌کنند و افراد مؤمن و باتقوا را به‌عنوان الگوهای مناسب برای همنشینی معرفی می‌کنند. احادیث و روایات همچنین انسان‌ها را از وجود شیطان و همنشینی او با انسان آگاه می‌سازند. امام علی ۷ می‌فرماید: ^۱ همنشین بی‌خرد مباحث که او کار [نابخردانه] خود را برای تو آراید و دوست دارد تو را چون خود نماید (نهج البلاغه: حکمت ۲۹۳: ص ۵۲۷).

۸-۵. عدالت اجتماعی

حضرت علی ۷ مبحث کنترل اجتماعی را در مفهوم عدالت توضیح می‌دهد و معتقد است که کنترل اجتماعی در واقع تلاشی است تا با ساز و کارهای مختلف، افراد جامعه را در مسیر اعتدال قرار دهند و معتقد است که جامعه‌ای که در مسیر عدالت باشد، رو به ترقی و پیشرفت خواهد داشت. امام برای انسان دو قوه عقل و شهوت در نظر گرفته است و کج‌روی‌های اجتماعی را گردن‌نهادن به تمایلات نفسانی دانسته و بر نقش تعلیم و تربیت از آن منظر تأکید کرده است که سبب می‌شود تا تمایلات نفسانی در زیر فرمان قوه عاقله قرار گیرند تا از این طریق از کج‌روی‌های اجتماعی جلوگیری نمایند (وفادار، ۱۳۸۲: ص ۲۹۳).

۹-۵. خانواده و تعلیم و تربیت

امروزه همگان بر نقش بی‌بدیل خانواده، تعلیم و تربیت در فرایند جامعه‌پذیری و همچنین کنترل و نظارت اجتماعی تأکید دارند. امام علی ۷ معتقد است میل دادن کودکان برای اکتساب صفات و مکارم اخلاقی که نهایتاً منجر به جامعه‌پذیری کودک می‌شود، باید در درون خانواده نهادینه شود. مردی به رسول خدا ۹ عرض کرد: حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمودند: ^۲ اسم خوب برایش انتخاب کنی، به‌خوبی او را تربیت نمایی و به کاری مناسب و پسندیده بگماری (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۳۹۰).

۱. لَا تَصْحَبِ الْمَائِئِیَّةَ فَإِنَّهُ یُرِیُّ لَكَ فِعْلَهُ وَ یَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.

۲. قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ ابْنِی هَذَا؟ قَالَ: تُحْسِنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ تَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.

۱۰-۵. اخوت، برادری و جامعه انسانی

اخوت اسلامی نتایجی در پی دارد که شاید در دیگر روابط اجتماعی کمتر مد نظر قرار بگیرد. مانند احساس مسئولیت نسبت به برادر دینی خود که هیچ مؤمنی را در جامعه اسلامی سزاوار نیست که از آن سرباز زند و در عین حال خود را مسلمان بداند، اهتمام به امور همدیگر، مانند برآورده ساختن نیازهای یکدیگر و... که حقوقی هستند؛ رفق و مدارا و بردباری که اخلاقی هستند (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۲: ص ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ص ۲۳۶).

۱۱-۵. امر به معروف و نهی از منکر

نظارت همگانی در دین اسلام از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مکلف بودن به احساس مسئولیت در قبال دیگران و موظف بودن به مراقبت از دیگران اموری اند که در حوزه فقه و شریعت اسلامی مطرح شده‌اند و بنای اسلام بر این است که در جوامع دینی و انسانی این مهم به‌عنوان یک هنجار دربیاید تا از این طریق، سیاست کنترلی اسلام به نقطه رفیع و ایده‌آل خود هدایت شود. پیامبر اکرم ۹ همه افراد جامعه را کارگزار کنترل معرفی می‌کنند و نظارت، کنترل و مراقبت از یکدیگر را از وظایف افراد برمی‌شمارند. ایشان درباره نظارت همگانی می‌فرمایند: ^۱ هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی نمایند، خداوند بدانسان را بر آنان مسلط گرداند و نیکانشان دعا کنند؛ اما دعایشان مستجاب نشود (کلینی، ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۳۷۴). علاوه بر نظارت همگانی، دین اسلام به نظارت شوهر به‌عنوان مدیر خانواده بر کنش‌های اعضای آن تأکید دارد. نقش خانواده در کنترل اجتماعی خانواده به‌عنوان رکن بنیادین جامعه نقش بسیار مهمی در جامعه‌پذیری کودکان دارد (مهدوی، ۱۳۹۰: ص ۳۹۶).

۱۲-۵. اصلاح ذات‌البین و چگونگی نقش آن در استحکام جامعه

همدلی اساس جامعه انسانی و مایه بالندگی آن است. اگر این اصل از بین برود، اعتماد

۱. إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَشْعُرُوا بِالْأُخْيَارِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَهُمْ فَلَا يَسْتَجِابُ لَهُمْ.

و دلگرمی از دل‌ها رخت برمی‌بندد. در نتیجه جامعه از حرکت تکاملی خود باز می‌ماند. در جامعه ناهمگون که افراد به جای همدلی، در پی ویرانی یکدیگرند، راه به رستگاری و بهروزی نخواهند برد و کدورت‌ها روزبه‌روز در جامعه، گسترده‌تر خواهند شد. در جامعه به دلیل تعارض منافع، بالابودن سطح انتظارها، توقعات بی‌مورد، بی‌توجهی به حقوق محترم اشخاص، کوتاهی در انجام وظایف و بالأخره تفاوت در خلق و خوی، اختلاف و دشمنی به وجود می‌آید که امری طبیعی است؛ بنابراین باید بسترهای ایجاد نگرانی‌ها و دل‌خوری‌ها را برچید تا همدلی در میان افراد اجتماع نهادینه شود. وظیفه مسلمانان در جامعه اسلامی، پیوند و همدلی، صمیمیت، بخشش و خطاپوشی درباره یکدیگر است؛ چنان که در وصیتنامه علی 7 آمده است:^۱ و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یکدیگر (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۱۳-۵. صله ارحام

از کارهای بسیار نیک و اعمال پسندیده که حضرت حق و انبیا و امامان به آن اصرار ورزیده‌اند، صله رحم است. اسلام در مورد صله رحم و کمک و حمایت و محبت به خویشاوندان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است و قطع رحم و بریدن رابطه از خویشان و بستگان را شدیداً نهی کرده است. بر اثر ارتباط با افراد، اعضای خانواده، اقوام و گروه‌های مختلف، هویت اجتماعی فرد شکل می‌گیرد و طرز برخورد وی با دیگران، رعایت حقوق آنان، تحمل افکار و عقاید مختلف، دفاع از خود، ارزش‌ها، ارحام و دیگر افراد در او سامان می‌گیرد. او اعتماد به نفس پیدا می‌کند و علاوه بر اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی خویشان را استوار می‌سازد و به تدریج ناهنجاری‌های اجتماعی که بالای اجتماع است، دفع می‌شود و رابطه محبت‌گونه میان اعضای خانواده مستحکم می‌گردد. حضرت باقر 7 می‌فرماید:^۲ « صله رحم اعمال را پاکیزه می‌کند و بلاها را دفع می‌گرداند و ثروت را زیاد

۱. عَلَیْكُمْ بِالتَّوَّاضُلِ وَ التَّبَادُلِ وَ إِیَّاكُمْ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ.

۲. صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ، وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى، وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ، وَ تُنْسِي لَهْ فِي عَمْرِهِ، وَ تُوسِعُ فِي رِزْقِهِ، وَ تُحِبُّ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، فَلْيَبْتَئِ اللَّهَ وَ لِيَصِلْ رَحْمَهُ.

می‌کند و عمر را طولانی می‌سازد و روزی را وسعت می‌بخشد و باعث محبوبیت می‌شود. پس، از خدا بترسید و صله رحم کنید» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۷۳: ص ۲۹۹). افراد در پیوندهای خانوادگی، فامیلی و معاشرت با یکدیگر باید به گونه‌ای باشند که از آزار دیدن، احساس طرد شدن و عدم تعلق به اقوام جلوگیری کنند. امام صادق ۷ می‌فرماید: ^۱ «صله رحم کن گرچه با شربتی از آب و بهتر صله رحم بازداشتن آزار است از او» (مجلسی، ۱۴۰۳: ق ۷۱ - ۱۱۷).

۱۴-۵. احترام به قانون

برای ورود به زندگی اجتماعی، کسی به انسان یاد نداده است که باید پا به صحنه اجتماع بگذارد؛ زیرا انسان چه متمدن باشد یا متوحش، برابر طبیعتش، اجتماعی است. از آن‌جا که انسان باید در حیات اجتماعی رشد کند، نیاز به قانون حس می‌شود. احترام به قانون از بهترین روش‌ها برای پیشرفت جامعه است. در مقابل، بی‌توجهی به قانون از عوامل اصلی انحطاط یک ملت به شمار می‌آید. تنها مقرراتی که می‌توانند جامعه‌ای سالم و قانونمدار پدید آورند، قوانین الهی - اسلامی‌اند که با عمل به آنها، افسارگسیختگی‌های اجتماعی سامان خواهد یافت و مسیر اصلاح جامعه، هموار خواهد شد. محور قانون در اسلام نیز همان تعالیمی است که خداوند از طریق وحی بر آخرین فرستاده خویش خاتم رسولان، بیان فرموده است؛ از این رو با کاوش در احادیث به این نتیجه می‌رسیم که با پیروی از دستورهای نبی مکرم اسلام ^۱ می‌توان جامعه‌ای قانونمدار را برای افراد آن به ارمغان آورد. رسول گرامی که خود نقش ابلاغ و اجرای قوانین حیات‌بخش اسلام را بر عهده داشت، جایگاه و منزلت بالایی برای آن قائل بود. آن حضرت اجرای قوانین جزایی و کیفری اسلام (حدود) را بر متجاوزان به حریم قانون، بهتر از عبادت شصت سال و نیز برتر از بارش چهل شب باران بر زمین می‌دانست ^۲ (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ص ۳۰۸).

۱. صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِسَوْبَةٍ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا يَوْضَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا.

۲. حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَوْ كِي مِنْ عِبَادَةٍ سِتِينَ سَنَةً.

۶. انتقادات بر نظریه هیرشی از دیدگاه احادیث

انتقاد ۱: هیرشی در خصوص جرم می گوید: «همه ما جز و حیوانات بوده و از این رو، همگی به طور طبیعی قادر به ارتکاب اعمال مجرمانه‌ایم». نظریه او بر این فرض مبتنی است که شخص برای ارتکاب اعمال بزهکارانه آزاد است؛ زیرا پیوندهایش با نظم مرسوم و متعارف به طریقی از بین می‌رود (Hirschi & Gottfredson, 2003: P.16)؛ در حالی که دین مبین اسلام با قبول همه امیال در بشر، راه سعادت و شقاوت را بر بشر تمام کرده و می‌توان این ایراد را بر نظریه هیرشی وارد کرد که اعتقاد به معاد می‌تواند عامل بازدارنده انسان باشد. چون اگر انسان سر تکذیب نداشته باشد، وقتی به سوی ایمان و تقوا دعوت می‌شود و به چنین خبر عظیمی تهدید می‌گردد، آیات بینات و ادله قاطعه هم بر صحت آن دعوت و آن تهدید دلالت می‌کند، باید از چنان خطری بر حذر شود و خود را به ایمان و تقوا مجهز نموده، آماده لقای آن روز گردد؛ ولی از جمله مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحثی که در تعالیم و آموزه‌های اسلامی و احادیث در مورد آن سخن رفته، موضوع «تقوا» (خودنگهداری، خودکنترلی) است. تقوا در آموزه‌های اسلامی به‌عنوان یک نیروی درونی قوی مورد بازشناسی قرار گرفته، به روح، قوت و قدرت و نیرو می‌دهد و نفس اماره و احساسات سرکش را رام و مطیع می‌سازد. حضرت علی^۱ نیز داری تقوا و خودنگهداری را برای همه دردها و ابتلائات بشر، حتی امراض جسمی تجویز می‌کند: «به‌درستی که خودنگهداری، داروی بیماری قلوب شما و موجب بینایی درون‌های کور شما است و درمان بیماری کالبد‌هایتان و زاینده فساد سینه‌هاتان و پاک‌کننده آلودگی جان‌هایتان و روشنی‌بخش ضعف چشم‌هایتان و فرونشاندن ترس و اضطراب دل‌هایتان و زداینده سیاهی ظلمتتان» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸). این روایت از امام صادق ۷ و رسول اکرم ۹ نقل شده است که فرمودند: «هرگاه هنجارشکنی، حریم‌شکنی و معصیت خدا به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، هر چند هنجارشکنان اندک باشند و اکثریت مردم، افرادی قانونمند و هنجارمند باشند، ولی این اکثریت نظارت و کنترل را رها کنند، عذاب خواهند شد».

۱. إن تقوا الله دواء قلوبكم و بصرع می‌افتد تکم و شفاء مرض اجسادکم و صلاح صدورکم و ظهور دئس انفسکم و جلاء عشا ابصارکم و امن فرع جاشکم و ضیاء سواد ظلمتکم.

حضرت علی بن ابی طالب ۷ نیز در وصیت خویش به فرزندانش در خصوص پیامدهای منفی بی توجهی به نظارت و کنترل انحرافات یادآور می‌شوند که هرگاه نظارت رفتارها را رها کنید، نتیجه آن تسلط انسان‌های هنجارشکن، کج‌رو و منحرف بر جامعه صالحان است. در آن صورت، طلب خیر و استمداد از خدای سبحان سودی ندارد و خدا پاسخ مثبت نخواهد داد؛ زیرا تسلط افراد کج‌رو و منحرف بر فرهنگ جامعه، نتیجه سستی و بی توجهی شما به وظیفه اجتماعی خود، یعنی نظارت و کنترل اجتماعی است؛ بنابراین از جمله پیامدهای منفی عدم نظارت اجتماعی، تسلط فرهنگ کج‌رو بر فرهنگ‌های بهنجار جامعه می‌باشد و بسیار واضح است که هرگاه ارزش‌ها مبدل گردند و خرده‌فرهنگ نابهنجار به فرهنگ حاکم تبدیل شود، در آن صورت با استفاده از اهرم‌های قدرت و ثروت و حتی منزلت، ارزش‌ها تحریف و به یک عرف و هنجار عرضی تبدیل می‌شوند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶: ص ۲۶۴).

انتقاد ۲: روایات احساس گناه و شرم را شرط ایمان می‌دانند. و به صورت ضمنی از حیا یاد کرده‌اند. در حدیثی از پیامبر خدا ﷺ آمده است: ^۱ از مثل‌های پیامبران : جز این سخن مردم بر جای نمانده است که وقتی حیا نداشتی، هر کاری می‌خواهی بکن (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۵۶). فرد بی حیا از انجام زشت‌ترین رفتارها پروا ندارد و همان‌گونه که گذشت او نه برای آبروی خود ارزشی قائل است و نه حضور ناظری را محترم می‌شمارد و نه اصولاً رفتاری را زشت می‌شمارد. این ویژگی‌ها قدرت بازدارندگی او را هنگام فراهم آمدن شرایط رفتار زشت و ناپسند از بین می‌برد و در نتیجه چنین رفتارهایی برای او به آسانی اتفاق می‌افتد؛ از این رو راهی برای نجات، متصور نخواهد بود. می‌توان از نظریه هیرشی استنباط کرد مجرمان برای ارزش‌های اجتماعی اعتبار قائل‌اند؛ اما سعی می‌کنند آنها را برای خود بی اعتبار جلوه دهند و به این ترتیب آنها را دور بزنند؛ به این ترتیب تأکید هیرشی بر عمل مجرمانه و عقلانیت جرم است که به موجب آن، مجرم فرد نامتعارفی نیست. مطابق یافته‌های هیرشی مجرم حس گناه ناشی از ارتکاب جرم را در خود خنثی می‌کند. به واسطه این نظریه، مجرمان، راه بزهکاری را

۱. لم یبق من أفتال الأنبياء : إلا قولُ النَّاسِ: إذا لم تَسْتَحِ فاضنَّع ما شئت.

برای خود هموار می‌کنند تا «عذاب وجدان نگیرند»؛ در حالی که این امر متناقض با آموزه‌های دینی است (مارش، ۱۳۸۹: ص ۱۹۵).

انتقاد ۳: چهار جزء نظریه هیرشی با انتقادهای گسترده‌ای روبه‌رو شده‌اند: اولاً به نظر می‌رسد که این موارد تمام انواع جرم را توضیح نمی‌دهند؛ مثلاً درگیری نمی‌تواند توضیح‌دهنده‌ی جرایم باشد؛ زیرا اگرچه فرد با اشتغال به یک کار، هنجارهای اجتماعی را رعایت می‌کند؛ ولی لزوماً آن‌قدر گرفتار نیست که نتواند مرتکب جرم شود؛ در واقع همین کار کردن فرصت لازم برای ارتکاب جرم را در اختیار او قرار می‌دهد. و ثانیاً هیرشی مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی‌سازی ترجیح می‌دهد؛ چون وابستگی را می‌توان مستقل از رفتار انحراف‌آمیز اندازه‌گیری کرد؛ ولی درونی‌سازی را نمی‌توان به این صورت مورد سنجش قرار داد؛ پس لزوماً هر چهار جزء هیرشی بدون داشتن یک ایمان راسخ نمی‌تواند جوابگو باشد؛ در حالی که دین مبین اسلام داشتن تقوا را مهم‌ترین عامل در کنترل اجتماعی می‌داند: «هر کس تقوا روزی‌اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است»^۱ (نهج الفصاحه، ۱۳۲۴: ص ۷۶۹).

انتقاد ۴: نقطه ضعف دیگر این چهار متغیر آن است که هیرشی برخلاف معنای روان‌شناختی کلمات که در تفکر امریکایی غالب است، به دنبال یک تعریف جامعه‌شناختی است. قوانین الهی و آموزه‌های اسلام ثابت‌اند و این بدان معنا نیست که احکام در هیچ زمانی و مکانی تغییر نکنند، بلکه احکام در اسلام جزئی و متغیراند؛ ولی در کل قوانین الهی جهان‌شمول‌ترند. نظریه کنترل هنوز هم در جامعه مدرن برجسته است؛ ولی با انتقادهای گسترده‌ای روبه‌رو شده است. برخی از این انتقادات را حتی خود هیرشی ارائه کرده است؛ خصوصاً در مورد منشأ نظریه‌ی او که پشتیبانی‌اش از این نظریه در طول زمان کاهش یافته است و در نهایت منجر به پیدایش نظریه کنترل شده که در قالب نظریه عمومی جرم ارائه شده است؛ بنابراین به اشتباه تصور شده است که وابستگی به معنای قدرت یک پیوند درونی عاطفی است که شاید بدون تعامل شدت بیشتری پیدا کند؛ ولی در واقع چنین نیست. منظور هیرشی از تعهد، ارادت عمیق و درونی فرد به دیگران نبود.

۱. من رُزِقْتُ نَفْسِي فَقَدْ رُزِقْتُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

منظورش از درگیری، گرفتاری عاطفی نبود. منظورش از اعتقاد، ایمان درونی شدید یا باور عمیق به چیزی یا کسی نبود. پیوندی که در نظر او بود، آن‌چنان درونی شده نبوده و نیست؛ درحالی که فردی خود را به خدا پیوند می‌زند، خداوند او را کافی است.

نتیجه‌گیری

با کاوشی که در احادیث و نظریه‌های هیرشی در خصوص کنترل اجتماعی انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت اسلام دینی اجتماعی است و احکام فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارند که از آنها در جهت اصلاح و تقویت روابط افراد جامعه استفاده می‌شود. با توجه به غنی بودن آموزه‌های دینی و احادیث که به همه جنبه‌های انسانی توجه می‌کند و نظریه‌های هیرشی که هرچند از موفقیت نسبی برخوردار است با همه جدیدبودنش، تاکنون چندین مرتبه مورد ارزیابی قرار گرفته است. این نظریه به‌طور تجربی آزموده شده است. هیرشی در نظریه کنترل اجتماعی معیار تجربی عمومی یا اختصاصی معینی را برای نظریه پیشنهادی خود ارائه نمی‌کند. این سبب می‌شود که ادعای آن نوعی خودبزرگ‌بینی به نظر برسد؛ گرچه اصول اساسی آن ظاهراً صحیح است. این اتهام نیز مطرح شده است که این نظریه زاید است؛ زیرا تعریف جداگانه‌ای برای کنترل خود غیر از استعداد ارتکاب جرایم و رفتارهای مشابه ارائه نشده است. او از اصطلاح مجرمیت و خودکنترلی پایین به صورت مترادف استفاده کرده، که مانند آن است که بگوییم کم‌بودن کنترل خود موجب کم‌بودن کنترل خود می‌شود یا اینکه مجرمیت موجب مجرمیت می‌شود؛ درحالی که احادیث اذعان دارند برای تعریف واقعی کنترل خود، باید یک شاخص مستقل برای خودکنترلی ارائه شود.

همچنین این نظریه به اشتباه ادعا می‌کند نظریه‌های دیگری بی‌اهمیت‌اند، در نظریه‌های هیرشی، به جای توجه به متخلفان و پرسیدن این سؤال که چرا آنان رفتار بزهکارانه را مرتکب می‌شوند، هیرشی به دنبال این است که چرا افراد هم‌نوا هستند و قانون را نقض نمی‌کنند. وی پاسخ می‌دهد افراد به این دلیل قانون‌شکنی نمی‌کنند که هنجارهای اطاعت از قانون را درونی کرده و دارای پیوندهای اجتماعی با افراد و نهادهای دیگر هستند. هیرشی معتقد است شناسایی محرک‌های منجر به انحراف و جرم‌چندان ضروری نیست؛ اگرچه وی نیروها یا فشارهای خاصی را در نظر می‌گیرد که قابلیت تلفیق با رویکرد کنترل را دارند؛

در حالی که این با احادیث و آموزه‌های اسلامی کاملاً تناقض دارد. به‌طور کلی در تعالیم اسلامی تأکید عمده برای کنترل رفتارهای انسانی، بر روی کنترل‌های درونی است و مراتب تربیت دینی نیز در این مکتب، در مرحله اول، بر تقویت و تثبیت این قسم از کنترل‌کننده‌های رفتاری بنا نهاده شده است. اقدام نکردن به رفتارهای نابهنجار حتی در جرماًترین مناطق و در وسوسه‌انگیزترین موقعیت‌ها و عدم تعدی از حدود و خطوط مقرر شده الهی در این مکتب، مقصود نهایی تربیت دینی است؛ بر این اساس بیشترین سرمایه‌گذاری روی همین مسئله انجام می‌پذیرد که انسان‌ها از درون به گونه‌ای تربیت شوند که انگیزه درونی برای انجام دستورهای الهی و آلوده‌نشدن به گناه داشته باشند. سپس در مرحله دوم، اگر کسی از درون اصلاح نشده باشد و بخواهد دست به کار خلاف بزند، همه افراد جامعه را موظف کرده است که نظارت داشته باشند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و مانع آلوده‌شدن افراد گردند و در مرحله سوم، چنانچه کسانی از درون اصلاح نشده باشند و قدرت مردم و افکار عمومی هم چاره‌ساز نباشد، مسئولان حکومت اسلامی را ملزم کرده است که با خلاف و خلافکار با قدرت حکومت برخورد کنند.

نکته پایانی این است که همزمان با کنترل اجتماعی، باید به مقوله «فرهنگ‌سازی» جامعه نیز پرداخته شود و یک نظام فرهنگی در جامعه به وجود آید که افراد در محیط جامعه، به نوعی نظم اخلاقی درونی پایبند گردند؛ یعنی از انجام رفتارهای نامطلوب و ناهنجاری‌ها احساس گناه کنند و درمقابل با انجام رفتارهای مطلوب و رعایت ارزش‌های اجتماعی، احساس رضایت خاطر داشته باشند؛ بنابراین هرگاه فضیلت‌های اخلاقی، چه آنهایی که بُعد فردی دارند و چه آنهایی که جنبه اجتماعی دارند، در کنار هم و در راستای ساخت جامعه مطلوب قرار بگیرند، جامعه رو به رشد و تعالی خواهد رفت و از ایستایی دور می‌شود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۲۸۷ - ۱۳۶۳)، نهج الفصاحه، قم: انصاریان، ۱۳۸۳.
۴. ابروش، رضا (۱۳۹۱)، «بررسی سازوکارهای نظام کنترل تعاملی در سیره امام علی ۷»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، س ۲، ش ۱.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۷۳)، تحف العقول، تهران: انتشارات کتابچی.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۹)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ترجمه: شیخ الاسلامی تویسرکانی، ج ۱، قم: مؤسسه انصاریان.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
۸. حرّاعلی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیت .:
۹. حسینی جبلّی، سیدمیر صالح (۱۳۹۷الف)، «دگردیسی ارزش‌ها و چگونگی مواجهه با آن»، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۴.
۱۰. حسینی جبلّی، سیدمیر صالح (۱۳۹۷ب)، انحرافات اجتماعی از دیدگاه اسلام، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۶)، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.
۱۳. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الامالی، ج ۶، تهران: نشر کتابچی.
۱۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق) عیون أخبار الرضا ۷، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم: دار المعارف الإسلامية.
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۴ق)، الوافی، ج ۱۵، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی النجفی ۴.
۲۰. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۵ق)، کنز العمال، ج ۵، بیروت: مؤسسة الرساله.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ق)، الکافی، به اهتمام: محمدحسین درایتی، ج ۱، قم: مرکز بحوث دارالحدیث، قسم احیاء التراث، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث.
۲۲. مارش، یان و دیگران (۱۳۸۹)، نظریه‌های جرم، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.
۲۳. متولی‌زاده نایینی، نفیسه (۱۳۹۶) «نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات و روایات با تأکید بر تعاون و حمایت»، فصلنامه مطالعات قرآنی، س ۹، ش ۳۳.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ج ۶۷ و ۹۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم (مبانی روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی)، تهران: نشر آن.
۲۶. محسنی تبریزی، علیرضا و حفیظ‌الله فولادی (۱۳۹۴)، «مجازات، آخرین راهکار کنترل انحرافات اجتماعی با تأکید بر دیدگاه امام علی ۷ در نهج البلاغه»، مجله نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، (وزارت علوم)، ش ۲.
۲۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۶)، میزان الحکمه، ج ۶، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۸. محمدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «باورهای مؤثر در هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم»، فصلنامه مدیریت اسلامی، ش ۱۳.
۲۹. ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، ج ۱، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۳۰. مهدوی، محمود (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم، تهران: انتشارات سمت.
۳۱. وفادار، علی (۱۳۷۹)، «عدالت از نظر حضرت علی ۷»، مجله حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۰.

۳۲. هلالی، سلیم بن قیس (۱۳۸۷)، اسرار آل محمد (ترجمه کتاب سلیم بن قیس هلالی)، ترجمه: اسماعیل زنجانی خوئینی قم: نشر دلیل ما.

33. Hirschi, Travis and Michael Gottfredson (2003), "Commentary: Testing the general theory of crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, vol 30, Issue 1.

34. Reckless, Walter C (1967), *The Crime Problem*, New York: Appleton.

35. Regoli, Robert M, John D Hewitt & Matt Delisi (2009), "Delinquency in Society", *Jones and Bartlett Publishers*, Vol. 18, Issue 3.



References in Arabic / Persian

1. The Holy Quran, translated by Makarem Shirazi.
2. Nahj al-Balaghah, translated by Mohammad Dashti.
3. Payandeh, Abolqasim (1287 – 1363 SH), *Nahj al-Fasahah*, Qom: Ansarian, 1383 SH.
4. Abroush, Reza (2012), "An Investigation of the Mechanisms of Interactive Control System in Imam Ali's Conduct", *Journal of Islam and Management Research*, vol.2, no.1.
5. Ibn Shabeh Harani, Hassan bin Ali (1373 SH), *Tohaf al-Oqul*, Tehran: Ketabchi Publications.
6. Tamimi Amadi, Abdul Wahed (1379 SH), *Tasnif Qorar al-Hikam va Dorar al-kalam*, Vol.1, translated by Sheik al-Eslami Toiserkani, vol. 1. Qom: Anasarian Institute.
7. Javadi Amoli, Abdullah (1372 SH), *Shari'a in the Mirror of Knowledge*, Tehran: Raja Cultural Publishing Center.
8. Hor Ameli, Muhammad ibn Hassan (1414. AH), *Vasa'el Al-Shi'a*, Qom: Alulbayt.
9. Hosseini Jebeli, Sayyid Mirsalih (1397 SH), "Transforming Values and How to face them", *Quarterly Journal of Islam and Social Studies*, Vol. 4.
10. Hosseini Jebeli, Sayyid Mirsalih (1397 SH), *Social Deviations from the Islamic Perspective*, Qom: International Center for Translation and Al-Mustafa Publishing.
11. Dehkhoda, Ali Akbar (1377 SH) *Dehkhoda Dictionary*, Tehran: University of Tehran.
12. Sotoudeh, Hedayatollah (1396 SH), *An Introduction to Social Pathology*, Tehran: Avaye Noor Publications.
13. Salimi, Ali and Mohammad Davari (1391 SH), *Sociology of Deviation*, Qom: Research Institute of Hawzah and University.
14. Sadough, Mohammad bin Ali (1997), *Al-Amali*, sixth print, Tehran: Ketabshi Publications.
15. Sadough, Mohammed bin Ali (1404 AH) *Ayoun Akhyar al-Reza* 7, Beirut: Al-A'alami Institute of Press.

16. Sedigh Sarvastani, Rahmatollah (1388 SH), *Social Pathology (Sociology of Social Deviations)*, Tehran: Samt Publication.
17. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, fifth print, Qom: Islamic Publications of the Teachers Society of Qom Seminary.
18. Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1411 AH). *al-Qaybah*, Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyah.
19. Feiz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza (1404 AH), *Al-Wafi*, vol. 15, Qom: Ayatollah al-Azimi al-Marashi al-Najafi's School.
20. Mottaqi Hindi, Ali ibn Hisam al-Din (1405 AH), *Kanz al-Amal*, vol. 5, Beirut: Al-Rasalah Institute.
21. Kelini, Muhammad ibn Ya'qub (1403 AH), *Al-Kafi*, by Mohammad Hossein Derayati, first print, Qom: Markaz Bahouth, Dar-al-Hadith, Qesm Ihya al-Torath, Dar al-Hadith Institute of Science and Culture.
22. Marsh, Ian et al. (1389 SH), *Theories of Crime*, Translated by Hamid Reza Malek Mohammadi, Tehran: Mizan Publication.
23. Motavilzadeh Naeini, Nafiseh (1396 SH) "Theory of Social Control by Looking at Verses and Traditions with Emphasis on Cooperation and Support", *Journal of Qur'anic Studies*, vol. 9, no. 33.
24. Majlesi, Mohammad Bagher (1403 AH), *Bihar al-Anwar*, vols. 67 and 97, Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
25. Mohseni Tabrizi, Alireza (1383 SH), *Vandalism (Foundations of Social Psychology and Sociology)*, Tehran: An Publications.
26. Mohseni Tabrizi, Alireza and Hafizollah Fouladi (1394 SH), "Punishment, the Last Strategy for Controlling Social Deviations with Emphasis on Imam Ali's Viewpoint in Nahj al-Balagheh", *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, (Ministry of Science) no.2.
27. Mohammadi Reyshahri, Mohammad (1376 SH), *Mizan Al-Hikmah*, Vol. 6, Qom: Maktab al-A'alam Al-Islami.
28. Mohammadi, Abolfazl (1395 SH), "Effective Beliefs in Guiding and Controlling Organizational Behaviors from Selected Verses of the Holy Quran", *Journal of Islamic Management*, no. 13.

29. Momtaz, Farideh (1381 SH), *The Social Deviations of Theories and Views*, first print, Tehran: Publications Stock Company.
30. Mahdavi, Mahmoud (1390 SH), *Crime Prevention*, Tehran: Samt Publications.
31. Vafadar, Ali (1379 SH), "Justice from the viewpoint of Imam Ali", *Journal of Law and Political Sciences*, no.60.
32. Helali, Salim ibn Qays (1387 SH), *The Mysteries of Ale-Muhammad* (Translated by Salim ibn Qays Helali), Translated by Ismail Zanjani Khuieni Qom: Dalil Ma Publications.
33. Hirschi, Travis and Michael Gottfredson (2003), "Commentary: Testing the general theory of crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, vol 30, Issue 1.
34. Reckless, Walter C (1967), *The Crime Problem*, New York: Appleton.
35. Regoli, Robert M, John D Hewitt & Matt Delisi (2009), "Delinquency in Society", *Jones and Bartlett Publishers*, Vol. 18, Issue 3.

